

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاری ایران - ایالات متحده

AWARD

CASES NOS. 461,462,463,464 & 465

Chamber Two

پرونده‌های شماره ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ و ۴۶۵
شعبه دو
حکم شماره ۲-۴۶۵، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۶۱-۵۰۵



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاری ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE 4 FEB 1991	
	تاریخ ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۶۹

پرونده شماره ۴۶۱

اردوان پیتیر سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۲

پروین مریم سمراد ،

از طرف و به عنوان ولی قهری دختر خردسال خود، روعیا سمراد ،
خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۳

پروین مریم سمراد ،

از طرف و به عنوان ولی قهری دختر خردسال خود، لیلا سمراد ،
خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۴

گیتی دینا سمراد ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده .

پرونده شماره ۴۶۵

پروین مریم سمراد ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده .

حکم

اول - مقدمه

۱ - در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] اردوان پیتیر سمراد (پرونده شماره ۴۶۱) گیتی دیانا سمراد (پرونده شماره ۴۶۴) و پروین مریم سمراد ، اصلتا" (پرونده شماره ۴۶۵)، و از جانب فرزندان خردسال خود، روعیا سمراد (پرونده شماره ۴۶۲)(۱) و لیلیا سمراد (۲) (پرونده شماره ۴۶۳) و به عنوان ولی قهری ایشان (مجتمعا" "خواهانها") دادخواستهایی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") تسلیم نمودند. خواهانها کلا" خواستار مبلغ /-۸۶،۵۰۱،۷۶۸ دلار امریکا به اضافه بهره هستند.

۲ - خوانده در لوایح دفاعیه‌ای که در اول مهرماه ۱۳۶۱ [۲۳ سپتامبر ۱۹۸۲]، ۳۰ آذرماه ۱۳۶۱ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۲]، ۱۶ دیماه و ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۶۱ [ششم ژانویه و ۱۴ فوریه ۱۹۸۳] به ثبت رساند، اظهار داشت که خواهانها منحصرأ" تبعه ایران هستند و حقوق ایران مواردی از جمله تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد. از اینرو، خوانده در نبود هرگونه شرطی در بیانیه حل و فصل دعاوی راجع به دعاوی دارندگان تابعیت دوگانه و بر مبنای اصل عدم مسئولیت دولتها در برابر دعاوی اتباع خود، به اهلیت خواهانها نسبت به ثبت ادعا علیه ایران در دیوان داوری ایراد گرفت.

۳ - دیوان طبق رویه خود در موارد مشابه، ضمن نقل از تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸

(۱) پرونده‌های شماره ۴۶۱، ۴۶۲ و ۴۶۵ که بدوا" به شعبه یک ارجاع شده بود طی تصمیم مورخ پنجم تیرماه ۱۳۶۵ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۶] ریاست دیوان به شعبه دو احاله گردید.

(۲) در زمان صدور این حکم، روعیا و لیلیا به سن قانونی رسیده‌اند.

دیوان عمومی، مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا (چاپ شده در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251) به ترتیب در تاریخهای ۲۸ تیرماه ۱۳۶۳ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۴] و ۱۲ مهرماه ۱۳۶۳ [چهارم اکتبر ۱۹۸۴] به طرفین اطلاع داد که "صلاحیت رسیدگی به دعاوی دارندگان تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده، علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذریبط از تاریخ ایجاد ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تابعیت ایالات متحده بوده باشد." از اینرو، دیوان به خواهانها دستور داد تا کلیه ادله و مدارکی را که مایلند دیوان مورد بررسی قرار دهد تا تعیین نماید که آیا ایشان تبعه ایالات متحده بوده‌اند یا تبعه جمهوری اسلامی ایران، و یا تبعه هر دو کشور، و در صورتیکه تبعه هر دو کشور بوده‌اند، ادله و مدارک مربوط به تابعیت غالب و موثر خود را به ثبت رسانند. به همین ترتیب، دیوان به خواننده دستور داد کلیه ادله و مدارکی را که مایلست دیوان در موضوع تابعیت خواهانها مورد بررسی قرار دهد، ثبت نماید. نظر به اینکه طرفین ادله و مدارک خود را در موضوع تابعیت ارائه کرده‌اند، دیوان بر مبنای مدارک تسلیمی در پرونده‌های حاضر، به صدور رأی راجع به موضوع صلاحیت مبادرت می‌ورزد.

دوم - واقعیات و اظهارات

۴ - پنج خواهان پرونده‌های حاضر (یک مادر و چهار فرزندش) مدعی‌اند که صاحب علایقی در گروهی از شرکتهای ایرانی و نیز مالک املاک و مستغلات مختلفی در ایران بوده‌اند. ایشان همچنین ادعا می‌کنند که خوانده در ماه مه ۱۹۷۹ تمام این داراییها را مصادره کرده است. خواننده مطالبی اظهار و از جمله ادعا می‌کند که هر پنج نفر خواهان در طول دوره ذریبط، یعنی از ماه مه ۱۹۷۹ الی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که تاریخ بیانیه‌های الجزایر است، تبعه ایران بوده‌اند.

خوانده همچنین منکر آنست که پروین نسبت به فرزندان خود روفا و لایلا طبق قوانین ایران ولایت داشته و استدلال می‌کند که پدر آنها که منحصراً تبعه ایرانست، ولی قهری آنان محسوب می‌شود. باتوجه به راعی دیوان راجع به تابعیت غالب و موثر این دو فرزند، دیوان لزومی به رسیدگی به این موضوع نمی‌بیند. دیوان به وضعیت هر یک از خواهانها به طور جداگانه رسیدگی خواهد کرد و هر جا لازم باشد از ادله و مدارک ذیربط تسلیمی در کلیه پرونده‌های پنجگانه مدد خواهد گرفت. از لحاظ سهولت و روشنی، دیوان در اشاره به خواهانها اسامی کوچک آنها را بکار خواهد برد.

الف - پروین مریم سمراد

۵ - پروین مریم سمراد در ۳۰ شهریورماه ۱۳۱۲ [۲۱ سپتامبر ۱۹۳۳] در شهر برلن واقع در آلمان متولد شد. پدر وی، حسین جعفرزاده، ایرانی و مادرش گرتروود جعفرزاده آلمانی‌الاصل بود. خانواده مذکور در سال ۱۹۳۹ به ایران عزیمت کرد. پروین در ایران، و به مدت دو سال در سوئیس، به مدرسه رفت. در سال ۱۹۵۱، همه خانواده به ایالات متحده عزیمت نمود.

۶ - پروین در مدارس حرفه‌ای ایالات متحده تحصیل کرد و به عنوان تکنیسین پرتونگاری مشغول کار گردید. در سال ۱۹۵۶، وی با یک ایرانی به نام سیروس سمراد که دانشجویی در یک دانشگاه امریکایی بود، ازدواج کرد. زوج مزبور هنگامی که در ایالات متحده می‌زیستند، صاحب دو فرزند شدند: یکی به نام اردوان پیتتر سمراد که در سال ۱۹۵۷ متولد گردید و دیگری به نام گیتی دیانا سمراد که در سال ۱۹۵۹ زاده شد. در ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۷ [۱۱ آوریل ۱۹۵۸] پروین به تابعیت ایالات متحده درآمد. طبق اظهار خواهان، وی در آن زمان قصد داشت به طور دائم در ایالات متحده اقامت کند، لکن شغل خوبی به شوهر وی در ایران پیشنهاد شد و لذا

خانواده در سال ۱۹۵۹ به تهران عزیمت کرد.

۷ - پروین و سیروس هنگام سکونت در ایران صاحب دو فرزند شدند: یکی به نام روعیا سمراد که در سال ۱۹۶۴ متولد گردید و دیگری به نام لیلا سمراد که در سال ۱۹۷۱ زاده شد. پروین ادعا می‌کند که طی سالهای زندگی در تهران جذب جامعه ایران نشد: زبان فارسی را به خوبی انگلیسی فرا نگرفت، در ایران کار نکرد و مالیات پرداخت. تنها سازمانی که در آن عضویت داشت، باشگاه آمریکاییها بود. فرزندان وی اکثراً به مدارس غیر ایرانی و به ویژه، مدرسه آمریکایی تهران می‌رفتند. وی تصدیق می‌کند که در سال ۱۹۷۵ در یکی از انتخابات ایران راعی داد، لکن ادعا می‌کند که دلیل شرکت وی در انتخابات این بود که می‌ترسید مبادا هنگام درخواست اجازه خروج دچار مشکل شود. وی می‌گوید که از گذرنامه ایرانی خود تنها برای ورود و خروج از ایران استفاده می‌نمود و خارج از ایران با گذرنامه آمریکایی خود سفر می‌کرد. مدارک موعید این اظهارات، عبارتند از شهادتنامه خود پروین و شهادتنامه‌های دو وزیر کابینه رژیم سابق ایران که در هنگام اقامت خانواده سمراد در تهران با آنها آشنا بودند. تنها گذرنامه‌هایی که پروین به عنوان مدرک ارائه نموده، یک گذرنامه ایرانی صادره در سال ۱۹۷۷، و دو گذرنامه آمریکایی صادره در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ می‌باشد.

۸ - گرچه والدین پروین حسب ادعا در ایالات متحده ماندند، وی ادعا نمی‌کند که پس از عزیمت خود در سال ۱۹۵۹ هیچ پیوند اقتصادی با ایالات متحده داشته است و هنگام اقامت در تهران بود که وی ظاهراً صاحب اموالی در ایران شد که موضوع اختلاف در این پرونده است. در سال ۱۹۷۶، پروین یک دستگاه آپارتمان تعاونی (co - op) در شهر نیویورک خریداری نمود و سال بعد، به طور غیرمستقیم، از طریق شرکتهایی که ظاهراً تحت کنترل وی یا خانواده وی بود، خانه‌ای در اویستر بی واقع در نیویورک خریداری کرد.

۹ - پروین ادعا می‌کند که در ماه اوت ۱۹۷۷، همراه دختران خود، روعیا و لیلا ایران را ترک کرد و در ایالات متحده اقامت گزید. وی می‌گوید دلایل وی برای اینکار "کاملاً شخصی - و عمدتاً بدان سبب بود که میل داشتم دو فرزند کوچکتر خود را [در ایالات متحده] تربیت کنم". شوهر وی سیروس، ظاهراً کماکان تا سال ۱۹۷۸ که به اروپا عزیمت کرد، در ایران اقامت داشت. خواننده ادعا می‌کند که پروین تا اوت ۱۹۷۸ در ایران ساکن بود و صرفاً "بدان سبب در آن زمان ایران را ترک گفت تا از آشوب انقلاب برکنار باشد. پروین در تأیید این ادعا که در سال ۱۹۷۷ در ایالات متحده اقامت گزید، شهادتنامه‌هایی از دوستان و آشنایان خود در ایالات متحده و تصویر صورتحسابها و رسیدهای کالاها و خدماتی را که در ایالات متحده خریداری شده بود، تسلیم کرده است. وی همچنین مدارک کتبی ارائه نموده دایر بر اینکه در سال ۱۹۸۰ و سالهای بعد در ایالات متحده راعی داده و در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ در دادگاههای نیویورک عضو هیئت منصفه بوده است. در سال ۱۹۸۷ وی یک فروشگاه پوشاک در نیویورک باز کرد.

ب - اردوان پیتر سمراد

۱۰ - اردوان پیتر سمراد در ۲۴ مهرماه ۱۳۳۶ [۱۶ اکتبر ۱۹۵۷] در سینت لوئیس، واقع در میزوری متولد شد. تولد وی در ۲۴ دیماه ۱۳۳۶ [۱۴ ژانویه ۱۹۵۸] در کنسولگری ایران در نیویورک ثبت و شناسنامه ایرانی به نام وی صادر شد. در سال ۱۹۵۹، وی همراه خانواده خود به تهران عزیمت کرد. پیتر طبق شهادتنامه خود، به مدت چهار سال در مدرسه آمریکایی تهران و سپس به مدت دو سال در یک مدرسه ایرانی درس خواند. وی می‌گوید که به مدت یک سال در مدرسه رامزی هال در کانه‌تیکات و سپس، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ در کالج دو لمان در ژنوو، سوئیس به تحصیل پرداخت.

۱۱ - طی سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۷۶، پیتر دانشجوی دانشگاه اهایو نورثرن در ایالات متحده بود. در سالهای ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۱ تحصیلات دوره لیسانس خود را در دانشگاه دولتی نیویورک در اولد وست بری به پایان رساند و پس از یک سال تحصیل زبان فرانسه در پاریس، در سال ۱۹۸۲ به نیویورک بازگشت و به کار معاملات املاک پرداخت. وی در سال ۱۹۸۳ به کالیفرنیا نقل مکان کرد و به کار معاملات املاک ادامه داد. پیتر می‌گوید که از سال ۱۹۵۹ گذرنامه امریکایی داشته است. وی همچنین اظهار می‌دارد که در انتخابات ایالات متحده راعی داده و در آنجا مالیات پرداخت کرده، ولی در ایران نه در انتخابات راعی داده و نه مالیات پرداخته است.

۱۲ - مبنای این بازگویی پیشینه پیتر، شهادتنامه‌ای است که وی همراه لایحه خود تسلیم کرده است. تنها مدرک مستندی که وی در خصوص موضوع تابعیت امریکایی خود تسلیم نموده، تصویر گواهی تولد اوست. خواننده به شرح پیشینه یاد شده ایرادی نمی‌گیرد، جز اینکه ادعا می‌کند پیتر یک سال صرف تحصیل در رامزی هال، کانه تیکات نکرده است. مضافاً، خواننده ادله و مدارکی ارائه نموده که نشان می‌دهد در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴ گذرنامه ایرانی برای پیتر صادر شده و وی هنگامی که دانشجوی کالج دو لمان بود، برای مسافرت بین ایران و سوئیس طی تعطیلات آموزشی از این گذرنامه‌ها استفاده می‌کرده است. خواننده همچنین مدارکی تسلیم کرده است حاکی از اینکه پیتر به دلیل اشتغال به تحصیل، معافیت موقت از خدمت نظام وظیفه دریافت کرده بوده است.

ج - گیتی دیانا سمراد

۱۳ - گیتی دیانا سمراد در تاریخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۳۸ [دوم سپتامبر ۱۹۵۹] در شهر نیویورک زاده شد. در ۱۴ مهرماه ۱۳۳۸ [ششم اکتبر ۱۹۵۹] تولد وی در

کنسولگری ایران در نیویورک ثبت شد و شناسنامه ایرانی به نام وی صادر گردید. در پایان سال ۱۹۵۹، یعنی اندکی پس از تولدش، گیتی با خانواده خود به ایران عزیمت کرد. وی در شهادتنامه معارض خود اظهار می‌دارد که او و خانواده‌اش در خانه عموما" انگلیسی صحبت می‌کردند و خارج از خانه و همچنین با کسانی که انگلیسی صحبت نمی‌کردند، به فارسی تکلم می‌نمودند. گیتی از کلاس اول تا هشتم در مدرسه آمریکایی تهران درس خواند و سپس به مدارس متوسطه در سوئیس رفت. وی نام مدارس سوئیسی را که در آنها درس خوانده ارائه نکرده، اما اظهار می‌دارد که در کلیه سالهای تحصیل خود در سوئیس، به جز یک سال، برنامه درسی مدارس آمریکایی را دنبال می‌کرد.

۱۴ - در سال ۱۹۷۷، گیتی تحصیلات دوره لیسانس خود را در دانشگاه اهایو نورثرن در ایالات متحده آغاز کرد. در سال ۱۹۸۱ از آنجا درجه لیسانس گرفت و در همانجا به تحصیل ادامه داد و در سال ۱۹۸۴ به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد. وی اکنون در نیویورک به کار وکالت اشتغال دارد و می‌گوید که هیچگاه در ایران راعی نداده، کار نکرده و مالیات نیز نپرداخته است.

۱۵ - ادله و مدارک تسلیمی خوانده نشان می‌دهد که گیتی در سال ۱۹۷۳، گذرنامه ایرانی دریافت و طی تعطیلات آموزشی برای مسافرت بین سوئیس و ایران از آن استفاده کرده است. گیتی می‌گوید که از گذرنامه ایرانی خود تنها برای ورود و خروج از ایران استفاده می‌کرد. وی اضافه می‌کند که در سال ۱۹۵۹ نام وی در گذرنامه آمریکایی مادرش درج شد و اولین گذرنامه جداگانه آمریکایی در سال ۱۹۷۴ برای وی صادر شد. گذرنامه‌های آمریکایی بعدی او در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۴ صادر گردید. وی نامه‌ای از وزارت امور خارجه ایالات متحده مبنی بر تأیید صدور این گذرنامه‌ها ارائه و همچنین تصویر گذرنامه سال ۱۹۸۴ و تصویر چهار صفحه اول گذرنامه سال ۱۹۷۹ خود را تسلیم نموده، لکن تصویر گذرنامه سال ۱۹۷۴ را

ارائه نکرده است.

د - روغیا سمراد

۱۶ - روغیا سمراد در ۲۲ مردادماه ۱۳۴۳ [۱۳ اوت ۱۹۶۴] در تهران متولد شد. تولد وی نزد مقامات ایرانی به ثبت رسید و در نهم شهریورماه ۱۳۴۳ [۳۱ اوت ۱۹۶۴] شناسنامه ایرانی به نام وی صادر شد. وی دوران کودکی خود را همراه خانواده خود در تهران بسر برد. روغیا مانند خواهران خود در شهادتنامه معارض خویش اظهار داشته است که او و خانواده‌اش در خانه عموها" به انگلیسی صحبت می‌کردند. وی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه امریکایی تهران گذراند.

۱۷ - در سال ۱۹۷۶، روغیا همراه مادرش پروین و خواهرش لیلا، به ایالات متحده رفت. در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۵ [ششم اکتبر ۱۹۷۶] وی طبق مقررات ماده ۳۲۲(الف) قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده، 8 U.S.C. § 1433(a) تابعیت ایالات متحده را کسب کرد. او در شهادتنامه معارض خود گفته است که در سال ۱۹۷۶ در نیویورک اقامت گزید. لکن مادر روغیا در شهادتنامه خود اظهار داشته است که وی و دختران کوچکترش در سال ۱۹۷۶ به نیویورک سفر کردند و در سال ۱۹۷۷ در آنجا اقامت گزیدند. از سال ۱۹۷۷، روغیا به مدرسه پورتلج در لوکست ولی واقع در نیویورک رفت. در سال ۱۹۸۲ وی در دانشگاه سیراکیوس نیویورک ثبت نام کرد و در سال ۱۹۸۶ از آن دانشگاه درجه لیسانس گرفت و به تحصیل در رشته حقوق در ایالات متحده ادامه داد.

۱۸ - ادله و مدارک تسلیمی خواننده حاکی است که روغیا در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ گذرنامه ایرانی دریافت کرده است. روغیا در شهادتنامه معارض خود اظهار داشته است که از گذرنامه‌های ایرانی خود تنها برای ورود و خروج از ایران استفاده

می‌کرد. وی مضافاً می‌گوید که اولین گذرنامه امریکایی خود را در سال ۱۹۷۶، اندکی بعد از کسب تابعیت امریکا به دست آورد و از آن به بعد، همواره گذرنامه امریکایی داشته است. از گذرنامه‌های یاد شده، وی تنها تصویر گذرنامه صادره در سال ۱۹۸۷ را تسلیم کرده و همچنین نامه‌ای از وزارت امور خارجه ایالات متحده راجع به وضعیت شهروندی خود ارائه نموده است. در نامه مذکور تأیید شده است که در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ گذرنامه امریکایی برای وی صادر گردیده، لکن ذکری از گذرنامه سال ۱۹۷۶ در آن به میان نیامده است.

ه - لیلا سمراد

۱۹ - لیلا سمراد در اول شهریورماه ۱۳۵۰ [۲۳ اوت ۱۹۷۱] در تهران متولد شد. تولد وی نزد مقامات ایرانی ثبت و در ۲۳ شهریورماه ۱۳۵۰ [۱۴ سپتامبر ۱۹۷۱] شناسنامه ایرانی به نام وی صادر گردید. وی در اوان کودکی با خانواده خود در تهران زیست. او نیز مانند خواهران خود، در شهادتنامه معارضش گفته است که وی و خانواده‌اش در خانه عموماً انگلیسی صحبت می‌کردند و اضافه کرده است که ابتدا در یک مدرسه فرانسوی در تهران درس خواند و سپس در کودکانستان مدرسه امریکایی تهران ثبت نام شد.

۲۰ - در سال ۱۹۷۶، لیلا همراه مادرش پروین و خواهرش روعیا به ایالات متحده سفر کرد. وی نیز در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۵ [ششم اکتبر ۱۹۷۶]، طبق مقررات ماده ۳۲۲(الف) قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده ۸ U.S.C. § 1433(a) به شهروندی ایالات متحده درآمد. وی در شهادتنامه معارض خود گفته است که در سال ۱۹۷۶ در نیویورک اقامت گزید. لکن، مانند مورد خواهر وی روعیا، ادله و مدارک دیگر نشان می‌دهد که وی تا سال ۱۹۷۷ به ایالات متحده نقل مکان نکرده بود. لیلا سپس در مدرسه پورتلج در لوکست ولی واقع در نیویورک به تحصیل

پرداخت و در سال ۱۹۸۳ در مدرسه والدن در شهر نیویورک به تحصیل ادامه داد.

۲۱ - مدارک تسلیمی خوانده نشان می‌دهد که لیلا در سال ۱۹۷۵ گذرنامه ایرانی گرفت و گذرنامه مزبور در سال ۱۹۷۸ تمدید شد. مدرک گذرنامه ارائه نشده است. لیلا در شهادتنامه معارض خود می‌گوید که اولین گذرنامه امریکایی وی در سال ۱۹۷۶ صادر شد و از آن به بعد، وی همواره گذرنامه امریکایی داشته است. او اضافه می‌کند که به غیر از مواردی که به ایران سفر می‌کرد، همواره از گذرنامه‌های امریکایی خود استفاده کرده است. لیلا از گذرنامه‌های امریکایی خود، تنها تصویر گذرنامه صادره در ۱۹۸۷ را تسلیم نموده است. وی همچنین نامه‌ای از وزارت امور خارجه ایالات متحده راجع به وضعیت شهروندی خود ارائه نموده که در آن تأیید شده است که در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ گذرنامه امریکایی به نام وی صادر گردیده، لکن ذکری از گذرنامه سال ۱۹۷۶ در آن به میان نیامده است.

سوم - اسباب موجهه حکم

۲۲ - دیوان خاطرنشان می‌سازد که اختلافی در این مورد نیست که کلیه خواهانها در طول دوره ذیربط تبعه ایران بوده‌اند. پروین هنگام تولد، به دلیل تابعیت ایرانی پدرش، تبعه ایران گردید. چهار فرزند وی، پیتر، گیتی، روعیا و لیلا به دلیل تابعیت ایرانی پدرشان، هنگام تولد به تابعیت ایران درآمدند.

۲۳ - پروین برای اثبات تابعیت امریکایی خود، نسخه‌ای از فرم جی - ۶۴۱ صادره توسط اداره مهاجرت و تابعیت وزارت دادگستری ایالات متحده را تسلیم کرده است. در این فرم که دارای عنوان "درخواست واریسی اطلاعات از بایگانی اداره مهاجرت و تابعیت" است، گواهی شده است که پروین مریم سمراد در ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۷ [۱۱ آوریل ۱۹۵۸] در سینت لوئیس واقع در میزوری، به تابعیت ایالات

متحده درآمد. خواننده استمرار اعتبار تابعیت امریکایی پروین را با استناد به اینکه وی از سال ۱۹۵۹ در ایران اقامت داشته، مورد ایراد قرار داده است. لکن پروین، در پاسخ به این ایراد، نامه‌ای نیز به تاریخ ۱۹ خردادماه ۱۳۶۷ [نهم ژوئن ۱۹۸۸] از وزارت امور خارجه ایالات متحده تسلیم نموده که در آن ذکر شده است که "مطلقاً هیچ مدرکی وجود ندارد که خانم سمراد اقدام به عملی کرده باشد که طبق ماده ۳۴۹ قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده [8 U.S.C. § 1481] موجب سلب تابعیت از وی گردد و یا طبق ماده ۳۴۰ همان قانون [8 U.S.C. § 1451] تابعیت امریکایی وی لغو شده باشد." و بالاخره، پروین تصویر گذرنامه‌های امریکایی صادره در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ خود را تسلیم کرده است. مدارک مزبور دیوان را متقاعد کرده است که پروین مریم سمراد از سال ۱۹۵۸ به طور مداوم تبعه ایالات متحده بوده است.

۲۴ - پیتر و گیتی تصویر گواهی تولد خود را ارائه کرده‌اند. این اسناد ثابت می‌کنند که آنان در ایالات متحده زاده شدند و لذا از هنگام تولد به تابعیت ایالات متحده درآمدند. ادله و مدارکی حاکی از اینکه آنان تابعیت امریکایی خود را از دست داده و یا آن را ترک کرده باشند، وجود ندارد.

۲۵ - و بالاخره، روعیا و لیلا تصویر درخواستهای کسب تابعیت [امریکایی] خود را تسلیم نموده‌اند. این درخواستها به علاوه موافقت با آنها ثابت می‌کند که روعیا و لیلا در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۵ [ششم اکتبر ۱۹۷۶] طبق ماده ۳۲۲(الف) قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده، به تابعیت آن کشور درآمدند. روعیا و لیلا همچنین تصویر گواهینامه‌های تابعیت اکتسابی امریکایی خود و همچنین نامه‌هایی از وزارت امور خارجه ایالات متحده تسلیم کرده‌اند که اخیراً صادر و در آنها تأیید شده است که آنان در سال ۱۹۷۶ به تابعیت ایالات متحده درآمدند و در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ گذرنامه امریکایی برای آنان صادر شده است. این مدارک دیوان را متقاعد

ساخته است که روعیا و لایلا از سال ۱۹۷۶ به طور دائم تبعه ایالات متحده بوده‌اند.

۲۶ - بدینسان دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهانهای پرونده‌های حاضر در طول دوره ذیربطه، هم تبعه ایران بوده‌اند و هم تبعه ایالات متحده. بنابراین، دیوان باید تابعیت غالب و موثر آنان را طی آن دوره تعیین نماید. درمورد هر یک از خواهانها، دیوان باید براساس واقعیات موجود نزد خود، کشوری را که هر یک از آنان پیوندهای محکمتری با آن داشته است، تعیین کند. دیوان باید کلیه عوامل ذیربطه و از جمله، محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی را در نظر گیرد. ص ۲۰ پرونده الف - ۱۸ مذکور در بند ۳ بالا (چاپ شده در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251, at 265). گرچه اهلیت هر یک از خواهانها به تابعیت غالب و موثر وی در طول دوره بین تاریخ ایجاد ادعاها و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بستگی دارد، با این وصف، رویدادهای قبل و بعد از آن دوره، کماکان در تعیین تابعیت غالب و موثر خواهانها طی آن دوره، واجد اهمیت باقی می‌ماند. در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب وفاداری ملی مورد ادعای وی دلالت داشته باشد، حائز اهمیت هستند. بند ۱۴ قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] در پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، (چاپ شده در 19 Iran-U.S. C.T.R. 48,51).

الف - پروین مریم سمراد

۲۷ - پروین اظهار می‌دارد که تابعیت امریکایی وی بلافاصله پس از کسب آن در سال ۱۹۵۸، غالب گردید و طی مدتی که وی در ایران زندگی کرد، تابعیت غالب باقی ماند. نامبرده برای اثبات اینکه در ایران به عنوان یک امریکایی زندگی می‌کرده،

اظهار می‌دارد که در باشگاه امریکایی‌های ایران عضویت داشت و فرزندان خود را به مدرسه امریکایی تهران فرستاد. وی همچنین ادعا می‌کند که زبان انگلیسی را بهتر از فارسی صحبت می‌کند. با این وصف، از ادله و مدارک چنین به نظر می‌رسد که وی پس از عزیمت به ایران در سال ۱۹۵۹، چندان پیوندی با ایالات متحده نداشته است: پروین در شهادتنامه خود گفته است که والدین وی در ایالات متحده زندگی می‌کردند و طی مدتی که وی در ایران بسر می‌برد، به دیدار اعضای خانواده خود در [ایالات متحده] می‌رفت. لکن وی جزئیات آن سفرها را ارائه نکرده است. وی در سال ۱۹۷۶، آپارتمانی در شهر نیویورک خرید، لکن بلافاصله در آن سکونت نکرد. در سال ۱۹۷۶ نیز، فرزند وی در یک دانشگاه امریکایی ثبت نام نمود. هیچ دلیل و مدرک دیگری از پیوندهای شخصی، اجتماعی یا اقتصادی وی با ایالات متحده در طول هیجده سال اقامت وی در ایران موجود نیست. طی آن سالها، او و بستگان نزدیکش در ایران ساکن بودند و فرزندانی که در خارج تحصیل می‌کردند، در طول تعطیلات خود به ایران می‌آمدند. علاوه براین، طی آن مدت، خانواده به وضوح صاحب علایق اقتصادی قابل ملاحظه‌ای در ایران شد. دیوان نیازی نمی‌بیند که راجع به تابعیت غالب پروین در سال ۱۹۵۸ نظر دهد، لکن معتقد است که وی ثابت نکرده است که تابعیت امریکایی او در مدت اقامت در ایران، تابعیت غالب و موثر بوده است.

۲۸ - پروین قبل از ایجاد ادعای خود، مدتی در ایالات متحده زیسته بود. بنابراین، سؤال اینست که آیا طی آن مدت، وی آنچنان جذب جامعه امریکا شده بود که تابعیت امریکایی او تا ماه مه ۱۹۷۹ غالب و موثر گردیده باشد، یا خیر. پاسخ به این سؤال با سؤال دیگری آغاز می‌شود: او واقعا در چه زمانی در ایالات متحده اقامت گزید؟ خواهان ادعا می‌کند که در اوت ۱۹۷۷ به ایالات متحده عزیمت کرد. خواننده اظهار می‌دارد که خواهان تا اوت ۱۹۷۸ در ایران اقامت داشت و در آن زمان نیز صرفاً برای برکنار ماندن از آشوب انقلاب، ایران را ترک گفت.

۲۹ - ادله و مدارک پرونده نشان می‌دهد که پروین در واقع در اوت ۱۹۷۷ از ایران خارج شد و در ۱۹۷۸ برای دیداری که صرفاً ده هفته به طول انجامید، به ایران بازگشت. مهرهایی که در آخرین گذرنامه ایرانی پروین زده شده، نشان می‌دهد که وی در دوم شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۴ اوت ۱۹۷۷] ایران را ترک گفته، در ۲۸ خردادماه ۱۳۵۷ [۱۸ ژوئن ۱۹۷۸] مجدداً به کشور بازگشته و در ششم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۸ اوت ۱۹۷۸] بار دیگر از کشور خارج شده است. چهار فرزند وی نیز طی تابستان ۱۹۷۸ به ایران سفر کردند. با این وصف، دلیل و مدرک چندان وجود ندارد که نشان دهد پروین به مجرد خروج از ایران در ایالات متحده اقامت گزیده باشد. در این رابطه، دیوان ملاحظه می‌کند که مدارک حاکی است که شوهر وی زمانی در اروپا اقامتگاهی انتخاب کرده بود. پروین گذرنامه امریکایی سال ۱۹۷۷ خود را که می‌تواند مدت زمان حضور وی را در ایالات متحده ثابت نماید، تسلیم نکرده است. از میان صورتحسابها و رسیدهای بی‌شماری که وی ارائه نموده، تنها تعداد معدودی به دوره قبل از اوت ۱۹۷۸ مربوط است و آنهایی که به [قبل از] این دوره مربوط می‌شود، صرفاً "بابت خرید کالاهای مصرفی نسبتاً" پیش پا افتاده‌ای، مانند ضبط صوت است که مدرک قانع‌کننده‌ای برای اقامت وی در ایالات متحده به شمار نمی‌رود. به عکس، مدارک مربوط به دوره بعد از اوت ۱۹۷۸ در مورد اقامت وی در ایالات متحده قانع‌کننده‌تر هستند: برای مثال، در سپتامبر ۱۹۷۸، وی اتوموبیلی خرید. همچنین صورتحسابهای تلفن با ذکر جزء به جزء ارقام، صورتحساب سوخت منزل، کارتهای ثبت نام راعی دهنده، سوابق عضویت در هیأت منصفه و غیره در دست است. شهادتنامه‌های دوستان و آشنایان وی راجع به اقامت او در ایالات متحده نیز عاری از دقت و متناقض است. مدارکی هست که نشان می‌دهد دختران پروین در سال تحصیلی ۷۸ - ۱۹۷۷ در مدرسه پورتلج تحصیل می‌کردند - صورتحساب سال ۱۹۷۸ مدرسه به "بدهی معوقه از سال ۷۸-۱۹۷۷" اشاره دارد. لکن احراز این مطلب که فرزندان پروین در ایالات متحده به مدرسه می‌رفته‌اند، الزاماً ثابت نمی‌کند که خود وی نیز در آنجا سکونت داشته است.

دیوان نتیجه می‌گیرد که پروین سرانجام در زمانی قبل از ایجاد ادعاء در درجه اول در ایالات متحده اقامت گزید، لکن وی ثابت نکرده است که آغاز اقامت او به اوت ۱۹۷۷ بر می‌گردد.

۳۰ - تعیین تاریخ شروع اقامت خواهان در ایالات متحده، صرفاً قدمی در جهت تعیین تابعیت غالب و موثر اوست. امکان دارد که رفتن خواهان به ایالات متحده، صرفاً برای تسهیل آموزش فرزندان وی بوده، بدون آنکه او قصد اقامت دائم در آنجا داشته بوده باشد. امکان دارد که وی برنامه داشته و یا امیدوار بوده که به ایران بازگردد، زیرا روشن است که ایران تا زمان انقلاب اسلامی همچنان مرکز علایق تجاری خانوادگی وی بود. دیوان باید مقاصد وی را از ادله و مدارک پرونده استنباط کند. قلت ادله و مدارک مربوط به تاریخ عزیمت خواهان به ایالات متحده نیز مانع این نتیجه‌گیری می‌شود که تابعیت امریکایی وی بلافاصله بعد از ورود او به ایالات متحده در سال ۱۹۷۷، غالب و موثر گردیده است. روشن است که پروین به شهادت فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود در دهه ۱۹۸۰ سرانجام جذب جامعه امریکا شد. با این وصف، مدارک ثابت نمی‌کند که وی از ابتدا به قصد قطع پیوندهای خود با ایران و جذب شدن در جامعه امریکا، در ایالات متحده اقامت گزید. دیوان نتیجه می‌گیرد که پروین مریم سمراد ثابت نکرده است که تابعیت غالب و موثر وی هنگام پیدایش ادعایش در مه ۱۹۷۹، تابعیت ایالات متحده بوده است. از اینرو، ادعای وی باید به دلیل عدم صلاحیت مردود شناخته شود.

ب - اردوان پیتز سمراد

۳۱ - در مورد پیتز، دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان دلایل و مدارک بسیار اندکی راجع به موضوع تابعیت خود تسلیم نموده که تنها شامل یک شهادتنامه دو صفحه‌ای و یک تصویر گواهی تولد اوست. شهادتنامه وی چیزی بیش از شرح سوابق تحصیلی و

تجربی او با ذکر اسامی محل اقامت، مدارس محل تحصیل و اشتغال وی بعد از تحصیلات دانشگاهی نیست. این مدرک کافی برای اثبات این مطلب نیست که در سال ۱۹۷۶ که پیتر برای شروع تحصیلات دانشگاهی به ایالات متحده رفت، تابعیت امریکایی وی غالب بود. بنابراین، سؤال اینست که آیا باتوجه به پیشینه پیتر، تابعیت امریکایی وی تا ماه مه ۱۹۷۹، که ادعای او ایجاد شد، غالب بوده است یا خیر.

۳۲ - امارات چندی وجود دارد، حاکی از اینکه تابعیت امریکایی پیتر می‌توانسته تا ماه مه ۱۹۷۹ غالب و موثر شده باشد. وی در یک خانواده انگلیسی زبان بزرگ شده بود، و در یک مدرسه امریکایی در تهران تحصیل کرده بود که برنامه درسی آن برنامه درسی مدارس امریکا بود. قبل از مه ۱۹۷۹ وی حدود سه سال به عنوان دانشجوی دوره لیسانس در یک دانشگاه امریکایی تحصیل کرد. با این وصف، وی مدرکی ارائه نکرده است که نشان دهد به چه دلیل تحصیلات خود را در ایالات متحده ادامه داد و یا حدود جذب شدن وی را در جامعه امریکا در آن سالها روشن نماید. ممکن است او نیز مانند بسیاری دانشجویان ایرانی دیگر، صرفاً برای تحصیل به ایالات متحده رفته باشد با این قصد که برای شرکت در امور خانوادگی خود، به ایران مراجعت کند زیرا حسب ادعاء، وی علائق مالی قابل ملاحظه‌ای در آنجا داشت. اگر قضیه به این ترتیب بوده باشد، دیوان نمی‌تواند نتیجه بگیرد که تابعیت امریکایی وی صرفاً بر اثر اقامت و تحصیل در ایالات متحده بین سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹، غالب شده بوده است.

۳۳ - دیوان تردیدی ندارد که امکان دارد شخصی طی چندین سال تحصیل دانشگاهی در ایالات متحده دارای تابعیت غالب و موثر امریکایی گردد، به ویژه اگر آن شخص با مقداری آشنایی قبلی با فرهنگ امریکا به ایالات متحده وارد شده باشد. لکن در مورد حاضر، خواهان از عهده اثبات این مطلب بر نیامده است که هدف وی جذب

شدن در جامعه امریکا بوده و وی واقعا" در سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۹ جذب آن جامعه گردید. خواهان همچنین حدود و ماهیت پیوندهای خود را با جامعه امریکا مدلل نساخته است. بدینسان، گرچه ممکن است وی سرانجام به صورت فردی با تابعیت غالب و موثر امریکایی درآمده باشد، با این وصف دیوان متقاعد نشده است که تا هنگام ایجاد ادعا در مه ۱۹۷۹، وی چنین وضعیتی داشته است. از اینرو، ادعای اردوان پیتز سمراد باید به لحاظ عدم صلاحیت مردود شناخته شود.

ج - گیتی دیانا سمراد

۳۴ - ادله و مدارک تسلیمی گیتی در شهادتنامه معارض وی، تابعیت امریکایی مستمر او را ثابت می‌کند، لکن کمک چندانی به تعیین تابعیت غالب و موثر وی در طول دوره ذیربط نمی‌نماید. بنابراین، پرونده وی تقریبا" قابل تمیز از پرونده برادرش نیست، زیرا تفاوت دو پرونده از لحاظ این رسیدگی نسبتا" ناچیز است. وی نیز به عنوان دانشجوی ایرانی و با در دست داشتن گذرنامه ایرانی، در سوئیس تحصیل می‌کرد و تعطیلاتش را در ایران می‌گذراند، نه در ایالات متحده. دلیل و مدرک چندانی راجع به حدود و ماهیت روابط او با جامعه امریکا، طی مدتی که وی در سوئیس تحصیل می‌کرد، در دست نیست. علاوه براین، وی نیز مانند برادرش، حسب ادعا علایق مالکانه قابل ملاحظه‌ای در طول آن دوره در ایران داشته، حال آنکه مدعی وجود علایق مالکانه‌ای در ایالات متحده نیست.

۳۵ - دیوان براساس ادله و مدارک نتیجه می‌گیرد که در سال ۱۹۷۷ که گیتی برای شروع تحصیلات خود به ایالات متحده عزیمت کرد، تابعیت امریکایی وی غالب نبوده است. باز گرچه ممکن است که شخصی، به ویژه با پیشینه گیتی، در طول دو سال تحصیل به عنوان دانشجو در ایالات متحده، واجد تابعیت غالب و موثر امریکایی گردد، با این وصف در اینجا خواهان از عهده اثبات این مطلب بر نیامده است که

هدف وی جذب شدن در جامعه امریکا بوده و وی در واقع در سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۹ جذب آن جامعه شده بود. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای گیتی دیانا سمراد باید به دلیل عدم صلاحیت مردود شناخته شود.

د - روعیا سمراد

۳۶ - ادعای روعیا را پروین مریم سمراد، "از جانب دختر خردسال خود روعیا سمراد و به عنوان ولی قهری وی" به ثبت رسانده است. رجوع شود به: بند ۴، بالا. پروین استدلال می‌کند که گرچه تابعیت غالب خود وی و دخترش تابعیت امریکایی است، لکن این تابعیت اوست که از جهات صلاحیتی باید تعیین کننده باشد. خواننده اظهار می‌دارد که تابعیت ذینفع دعواست که باید ملاک عمل باشد، نه تابعیت نماینده.

۳۷ - رویه دیوان این بوده است که تابعیت خواهان خردسال را مورد بررسی قرار دهد و نه تابعیت ولی یا قیم وی را. رجوع شود به: حکم شماره ۲-۳۸۳-۴۷۷ مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] در پرونده ریموند عبود، به عنوان ولی قهری کریسلین آریان عبود و جمهوری اسلامی ایران. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که روعیا مالک ادعایی اموال متنازع فیه در پرونده خویش است. اگر تابعیت غالب و موثر وی در هنگام پیدایش ادعای تابعیت امریکا نبوده، در آن صورت، ادعا مستمرا" متعلق به یک نفر تبعه ایالات متحده نبوده و لذا، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی باید مردود شناخته شود. بنابراین، لازمست تابعیت روعیا مورد بررسی واقع گردد.

۳۸ - گرچه تابعیت پروین در ادعایی که از جانب دختر وی طرح شده قانونا" تعیین کننده نیست، با این وصف تابعیت والد هنگام تعیین تابعیت غالب و موثر کودک خردسال وی، موضوعا" موثر در مقام است. این واقعیت که پدر روعیا منحصرا" تبعه ایران

بوده و نیز راعی دیوان مبنی بر اینکه تابعیت غالب و موثر مادر وی هنگام ایجاد ادعای او، تابعیت امریکا نبوده، الزاما" مانع نمی‌شود که نتیجه‌گیری متفاوتی در مورد روعیا حاصل گردد. با این وصف، راعی مزبور وظیفه سنگینی را از لحاظ اثبات این مطلب بر دوش روعیا می‌گذارد که جذب وی در جامعه امریکا سریعتر و کاملتر از جذب مادر او در آن جامعه بوده است. باتوجه به ضوابط مصرح در پرونده الف - ۱۸، روعیا کماکان ملزم است نشان دهد که محل اقامت معمولی و پیوندهای خانوادگی، مرکز علایق و منافع و مشارکت وی در زندگی عمومی، در ایالات متحده متمرکز بوده است.

۳۹ - ادله و مدارکی که روعیا تسلیم نموده حاکی است که وی به عنوان کودکی که در تهران بزرگ می‌شد، تاحدی در معرض آشنایی با فرهنگ امریکایی قرار گرفت. وی در خانه عموما" انگلیسی صحبت می‌کرد. او دوره ابتدایی را در مدرسه امریکایی تهران به اتمام رساند (و چنانکه به خاطر می‌آورد، هر روز در آنجا سوگند وفاداری به امریکا یاد می‌کرد). در سال ۱۹۷۶، وی به موجب شرطی از قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده که پنج سال اقامت قبلی در امریکا را الزامی نمی‌سازد، به شهروندی ایالات متحده درآمد. گرچه وی ظاهرا" در سال ۱۹۷۷ به ایالات متحده عزیمت کرد و در آنجا تحصیلات متوسط خود را ادامه داد، به نظر می‌رسد که تا پنج سال بعد، یعنی تا سال ۱۹۸۲ گذرنامه امریکایی خود را کسب نکرد. وی به استثنای شرح مختصری در شهادتنامه معارضش راجع به برنامه درسی مدرسه و کار اجتماعی که به عنوان فعالیت خارج از برنامه انجام می‌داده، جزئیات دیگری در مورد زندگی خود در ایالات متحده ارائه نکرده است.

۴۰ - این ادله و مدارک کافی برای اثبات این مطلب نیست که تابعیت امریکایی روعیا به مجرد کسب آن در سال ۱۹۷۶، غالب شده بوده است. ادله و مدارک مربوط به دوره بعد از ۱۹۷۶، دلیل چندانی برای قایل شدن تفاوت بین تابعیت وی و تابعیت

مادرش به دست نمی‌دهد. خلاصه اینکه، روعیا ثابت نکرده است که تا ماه مه ۱۹۷۹ تابعیت غالب و موثر وی، تابعیت ایالات متحده شده بود. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای روعیا سمراد باید به لحاظ عدم صلاحیت مردود شناخته شود.

هـ لیلا سمراد

۴۱ - موضوعات مطروح در پرونده لیلا شبیه موضوعاتی است که در پرونده روعیا به چشم می‌خورد. پروین ادعای لیلا را به عنوان ولی وی طرح کرده است. رجوع شود به: بند ۴، بالا. مانند مورد روعیا، برای اینکه ادعای لیلا در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد، تابعیت غالب و موثر وی در طول دوره ذیربط، بایستی تابعیت ایالات متحده بوده باشد. رجوع شود به: بند ۳۷ بالا. لیلا نیز احتمالاً می‌توانسته مانند روعیا ثابت کند که تابعیت غالب وی از تابعیت غالب مادرش متفاوت بوده است. لکن برای کودکی به سن و سال او، که هنگام عزیمت به ایالات متحده شش سال و هنگام بروز ادعایش کمتر از هشت سال داشته، بار اثبات ادعا به مراتب سنگینتر خواهد بود.

۴۲ - لیلا ادله و مدارکی تسلیم کرده که نشان می‌دهد وی نیز تماسهایی با فرهنگ آمریکا داشته، لکن - به لحاظ سن و سالش - این تماسها کمتر از تماسی بوده که روعیا [با فرهنگ آمریکا] داشته است. وی در یک خانواده انگلیسی زبان بزرگ شده و در مدرسه آمریکایی تهران به کودکستان رفته است. در سال ۱۹۷۶، یعنی در سن پنج سالگی وی به شهروندی ایالات متحده درآمد و ظاهراً تا شش سال بعد، یعنی سال ۱۹۸۲ گذرنامه آمریکایی نگرفت. در سال ۱۹۷۷ وی به ایالات متحده رفت و تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه‌ای که شاگردان آن به طور مرتب سوگند وفاداری به آمریکا یاد می‌کردند، ادامه داد. بعداً، طی مدت ذیربط و پس از آن، وی به اردوهای

تابستانی در نیوانگلند رفت.

۴۳ - ادله و مدارک مزبور کافی برای اثبات این مطلب نیست که تابعیت امریکایی لیلا به مجرد کسب آن در سال ۱۹۷۶، غالب بوده است. ادله و مدارک مربوط به دوره بعد از ۱۹۷۶، دلیل چندانی برای قایل شدن تفاوت بین تابعیت لیلا و تابعیت مادرش به دست نمی‌دهد. به طور خلاصه، لیلا ثابت نکرده است که تابعیت غالب و موثر وی تا ماه مه ۱۹۷۹ تابعیت ایالات متحده بوده است. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای لیلا سمراد باید به لحاظ عدم صلاحیت مردود شناخته شود.

چهارم - حکم

۴۴ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف) ادعاهای اردوان پیتر سمراد ، روعیا سمراد ، لیلا سمراد ، گیتی دیانا سمراد و پروین مریم سمراد به دلیل عدم صلاحیت رد می‌شوند.

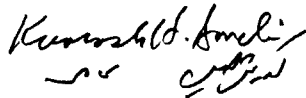
ب) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

لاهور، به تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۱۵ برابر با ۱۹۹۱/۲/۴

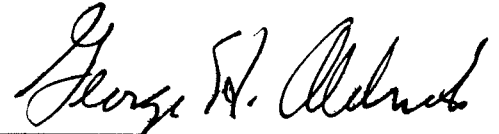


روبرت برینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا



کورش ح. عاملی
موافق با نتیجه



جرج اچ. آلدریچ
نظر جداگانه